

متن پرسش

با عرض سلام حضور استاد گرانقدر. استاد سالها پیش در دوره کارشناسی، سر کلاس معارف، استاد در خصوص واقعه «افک» در قرآن صحبت می کرد و شأن نزول آیه را اشاره نمود که یکی از دانشجویان پرسید: اصلا چرا پیغمبر اسلام اینقدر ازدواج کرد که این همه مکافات داشته باشد؛ استاد پاسخ داد: ازدواجهای پیامبر در آن روزگار امری عادی بود و یک مساله جاافتاده بود و نزد مردمان آن روز امری اعجاب انگیز نبود. بهرحال من آنروز از سخن آن دانشجو ناراحت شدم؛ بعدها به خاطر اینکه سعی بر این داشتم که سلوک دینی در زندگی داشته باشم، بارها از من هم این سوال شد که چرا پیامبر اسلام این تعداد ازدواج داشت؟ استاد عزیز، از نظر من آن شخصیت والا و مافوق فهم بشر حضرت رسول روحی و ارواح العالمین له الفداء، متعالی تر از آن است که در معرض اتهامی قرار گیرد اما من با دقتی که در ۲ آیه قرآن کریم در سوره احزاب داشتم سوالی برایم پیش آمد؛ آیه اشاره داشت به اینکه پیامبر از این پس دیگر ازدواج نکن و زنی جایگزین نکن حتی اگر از زیبایی زنی به تعجب بیافتی، قبل از این آیه هم آیه ای در خصوص بودن با زنان و.. آمده بود. خب استاد، اگر بنده هیچ شناختی از شخصیت رسول الله نداشتم و این آیه را می خواندم به نظرم می رسید لابد حضرت رسول مدام ازدواج می کرده اند و زنی را جایگزین زنی می کردند و هرکس به نظرشان زیبا می آمد را به عقد در می آورند تا اینکه خداوند فرمود دیگر این امر ادامه داده نشود. استاد از شما خواهش دارم اصلا چرایی تعدد زوجات پیامبر و ازدواجهای ایشان را شرح دهید و این آیه چرا نازل شد. (باتوجه به اینکه خود شما اصلا را بر تک همسری می گذارید) حضرتعالی می فرمایید این شک ها خوب است چون اگر در سكرات شیطان این شکها به شما القا کند مصیبت و... فلذا خواهشمندم با آنکه مصدع اوقاتتان شدم پاسخم را بدهید. خداوند خیر کثیرتان دهد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: با دقت در شخصیت رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» که در دوره ی جوانی و میانسالی یک همسر داشتند و با نظر به این که عموم ازدواجها در شرایطی است که حضرت در صدد حاکمیت اسلام می باشند باید جایگاه ازدواج های رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» را ماوراء موضوع جنسی بررسی کرد و در همین راستا در آخر عمر رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» که تا حدی شرایط عادی شده و حاکمیت اسلام تثبیت شده قرآن نگرانی رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» را تخفیف می دهد و می فرماید دیگر نیاز نیست به آن نوع ازدواجها ادامه دهی. برای بهتر روشن شدن موضوع

عنایت داشته باشید به دلیل فقر مادی و دست و پاگیری دختران در محیطی که همیشه آتش جنگ برافروخته بود و نیز به جهت اسیر شدن آنان به دست دشمنان در جنگ ، و به فحشا کشیده شدن به دختر علاقه ای نداشتند و برخی نیز آن ها را زنده به گور می کردند . با وجود وضعیت ناگوار اقتصادی ، گزینش همسر نوعی کمک به خانواده ی دختر و یا زن محسوب می شد درچنین محیطی ، زن بیوه اگر شوهر نمی کرد، زشت تلقی می شد . به مجرد آن که شوهرش می مرد یا از وی طلاق می گرفت و عده ی وفات یا طلاقش سپری می شد ، شوهری دیگر انتخاب می کرد ؛ همانند اسماء بنت عمیس که اول همسر جعفر بن ابی طالب و بعد از شهادت وی همسر ابوبکر و پس از درگذشت وی ، به همسری علی بن ابیطالب (ع) درآمد علاوه بر این در آن روزگرازدواج مهم ترین عامل وحدت و پیوند بین قبایل به شمار می آمد. با پیوند ازدواج بسیاری از درگیری ها فروکش می کرد. از جمله اهداف ازدواج های پیامبر(ص)، کسب قدرت سیاسی و اجتماعی برای تبلیغ ، رشد و گسترش اسلام بود . آن حضرت به دلیل تحصیل موقعیت های بهتر اجتماعی و سیاسی ، و پیوند با قبایل بزرگ عرب و جلوگیری از کارشکنی های آنان و حفظ سیاست داخلی و ایجاد زمینه ی مساعد برای مسلمان شدن قبایل عرب ، به برخی از این ازدواج ها روی آورد ؛ در راستای این اهداف با عایشه دختر ابوبکر از قبیله تیم ، حفصه دختر عمر از قبیله عدی، ام حبیبه دختر ابوسفیان از بنی امیه ، ام سلمه از بنی مخزوم ، سوده از بنی اسد ، میمونه از بنی هلال و صفیه از بنی اسراییل پیوند زناشویی برقرار کرد . پیوند ازدواج مهم ترین پیوند اجتماعی به ویژه در محیط و فرهنگ عرب جاهلی بود . در آن محیط که جنگ و خون ریزی و غارتگری رواج داشت ، بلکه - به تعبیر «ابن خلدون» - جنگ ، خون ریزی و غارتگری خصلت ثانوی آنان شده بود ، پیوند ازدواج بازدارنده از جنگ ها ، کارشکنی ها و عامل وحدت و الفت بود .

پیامبر(ص) با قبایل مختلف پیوند خویشاوندی برقرار می کند ، تا به این ترتیب اتحاد و الفت میان قبایل و پیامبر(ص) بیشتر، و دشمنی و کارشکنی آنان نسبت به مسلمانان و دعوت پیامبر(ص) کمتر گردد . اعراب جاهلی با همه تعصب و لجاجت ، خصلتی جوانمردانه داشتند . وقتی در برابر بت سوگند می خوردند ، به آن عمل می کردند ؛ اگر به کسی پناه می دادند ، با همه ی قبیله از او دفاع می کردند . آنان جنگ با دو نفر را ننگ می دانستند ؛ جنگ با هم قبیله و فامیل به این ترتیب پیامبر(ص) با چند قبیله بزرگ فامیل شد و از این راه توانست بررشد و گسترش اسلام بیافزاید. کوتاه سخن این که ازدواج های متعدد پیامبر(ص) یکی از عوامل رشد و گسترش اسلام در آن محیط به شمار می آمد و به ازدواج های پیامبر(ص) هدف سیاسی بخشید .رسول خدا با قبایل انصار و مسلمانان مدینه که روگردانی از حمایت پیامبر (ص) در مورد آنان مطرح نبود ، پیوند زناشویی برقرار ساخت ، «گیورگیو» نویسنده ی مسیحی می نویسد : محمد ام حبیبه را به ازدواج خود درآورد تا بدین ترتیب داماد ابوسفیان ، یعنی دشمن اصلی خود شده ، از دشمنی قریش نسبت به خود بکاهد . در نتیجه این وصلت ، پیامبر(ص) با خاندان بنی امیه و هند زن ابوسفیان و سایر دشمنان خونین خود ، جنبه ی فامیلی و خویشاوندی پیدا کرد . ام حبیبه عامل بسیار مؤثری برای تبلیغ اسلام در خانواده های مکه

بود. اسلام با برنامه ریزی دقیق و مرحله به مرحله، در جهت آزادی اسیران گام نهاد. رسول خدا (ص) از شیوه های خوب و متعدد برای آزادی اسیران استفاده کرد که ازدواج از جمله ی آن است. جویریة و صفیه کنیز بودند و پیامبر این دو را آزاد کرد؛ سپس با این دو ازدواج نمود - تا به این وسیله مسلمانان پیامبر را می توان با کنیز ازدواج نمود. جویریة در غزوة بنی مصطلق اسیر شده بود و در سهم غنیمتی رسول خدا (ص) قرار گرفت. آن حضرت وی را آزاد و سپس با وی ازدواج نمود. این کار حضرت به الگویی برای یاران و صحابه تبدیل شد و آنان تمامی اسیران غزوة بنی مصطلق را که حدود دویست نفر بودند، آزاد کردند.. بنابراین، یکی از حکمت های ازدواج های متعدد پیامبر (ص) آزادی کنیزان بود. پیامبر (ص) با این کار به مسلمانان یاد داد که می توان کنیز را آزاد و سپس با وی ازدواج کرد. ابن اسحاق، که کهن ترین سیره نویس است، می نویسد همسران آن حضرت را سیزده نفر برشمرده که با دو نفر تنها به برگزاری عقد اکتفا نمود و یازده نفر را به خانه خویش برد. دو نفر در هنگام حیات آن حضرت دار فانی را وداع کردند و در هنگام رحلت آن بزرگوار نه زن به نام های «عایشه»، «حفصه»، «ام حبیبه»، «ام سلمه»، «سوده»، «زینب دختر جحش»، «میمونه»، «صفیه» و «جویریة» در خانه آن حضرت بودند. (سیرت رسول خدا (ص)، ترجمه سیره ابن اسحاق، رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی، ص ۵۴۹) بدون شک نظر اسناد قدیمی تر برای ما معتبرتر است پس باید تعداد کل ازدواجها را ۱۳ بدانیم که حضرت محمد(ص) دو تن از ایشان را نیز بدون نزدیکی بازگرداندند. با توجه به آن چه ذکر شد، بدون کوچکترین تردید می توان فهمید که همسرگزینی های پیامبر(ص) جنبه ارضای غرایز نفسانی و خوش گذرانی نداشت، زیرا: ۱. اگر پیامبر(ص) در پی ارضای غرایز نفسانی بود، می باید در سنین جوانی به این کار مبادرت می کرد؛ این غریزه از آغاز بلوغ خودنمایی می کند و کم کم قوی تر می شود و از سن سی و پنج یا چهل سالگی رو به کاهش می نهد، در حالی که پیامبر اسلام (ص) تا سن بیست و پنج سالگی همسری انتخاب نکرد و پس از آن نیز با زنی که در گذشته دوبار شوهر کرده بود، و از آن دو فرزندی داشت و پانزده سال از وی بزرگ تر بود، ازدواج کرد و تا آخرین لحظه عمر این همسر، حدود بیست و پنج سال با وی زندگی نمود، بدون آن که با زن دیگری رابطه زناشویی برقرار سازد و تا سن پنجاه و سه سالگی، جز یک همسر نداشت؛ این در شرایطی بود که تعدد زوجات در آن محیط امری عادی محسوب می شد. پیامبر (ص) در دوره جوانی، همه آن چه موجب جلب توجه زنان می شود مانند زیبایی، شخصیت فامیلی، شهرت و ... دارا بود. با این همه حضرت در پی کام گیری از زنان نبود و در طول زندگی خویش عقیف و پاکدامن بود. این پاکدامنی و اکتفا به زنی بیوه و بزرگسال در عهد جوانی، با واژه هایی چون زن بارگی و... ناسازگار است. علاوه بر این، اگر رسول گرامی اسلام (ص) در این باره کوچک ترین ضعفی می داشت، دشمنان آن حضرت برای ضربه زدن به وی، از توسل به آن فرو گذار نمی کردند. پاکدامنی و خویشتن داری پیامبر(ص) به اندازه ای آشکار بود که حتی دشمنان نیز به خود اجازه نمی دادند تا ایشان را به خلاف آن متهم نمایند. «جان دیون پورت» می گوید: «آیا ممکن است مردی که به شهوت توجهی بسیار دارد، در چنان

کشوری که تعدد زوجات عمل عادی محسوب می شد، برای مدت بیست و پنج سال به یک زن قانع باشد، آن هم پانزده سال از او بزرگ تر؟! (فرازهایی از اسلام، ص ۱۷۴۹. ۲. اگر آن حضرت زنباره بود، باید جهت گیری وی در گزینش همسر رنگ رخساره آنان می بود و با زیباترین دوشیزگان که در اوان جوانی به سر می بردند، ازدواج می کرد، نه زنان بیوه و یتیم دار. همه زنان پیامبر(ص) - به جز «عایشه» - بیوه بودند و برخی چون ام سلمه به دلیل بزرگسالی علاقه ای به ازدواج و شوهرداری نداشت. براساس گزارش های تاریخی، آن حضرت در حالی با «ام سلمه» ازدواج نمود که وی پیرزن بود که به ازدواج رغبتی نداشت و از شوهر درگذشته خویش فرزند یا فرزندی داشت. نیز آن حضرت با زینب بنت جحش پنجاه ساله یا با میمونه پنجاه و یک ساله ازدواج نمود. ۳. ماهیت زندگی کسانی که با انگیزه ارضای غرایز حیوانی و کامیابی از زنان به ازدواج های متعدد رومی آوردند، این است که به زرق و برق و تجملات و زینت زنان و رفاه و مانند آن رو می آورند، در حالی که سیره و روش زندگی رسول خدا(ص) خلاف این است. پیامبر(ص) در برابر درخواست همسران خویش درباره زرق و برق زندگی و زینت زنان، نرمشی از خود نشان نمی داد. و آنان را بین ادامه زندگی ساده با پیامبر(ص) و طلاق مخیر می کرد. (ترجمه مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۲۸۶) علامه طباطبایی در این باره می نویسد: «داستان تعدد زوجات پیغمبر(ص) را نمی توان بر زن دوستی و شیفتگی آن حضرت نسبت به جنس زن حمل نمود؛ چه آن که برنامه ازدواج آن حضرت در آغاز زندگی که تنها به خدیجه اکتفا نمود و هم چنین در پایان زندگی که اصولاً ازدواج بر او حرام شد، با بهتان زن دوستی آن حضرت منافات دارد.» (محمد پیامبری که از نو باید شناخت، ص ۲۰۷، به نقل از همسران رسول خدا (ص)، عقیقی بخشایشی) ۴. دو نفر از زنان پیامبر(ص) کنیز بودند؛ اگر هدف پیامبر از ازدواج، لذت بردن بود، لذت بودن از این دو کنیز بدون ازدواج نیز ممکن بود؛ با این تحلیل ازدواج بی فایده بود. بنابر آن چه ذکر شد، در تفسیر و تحلیل ازدواج های پیامبر اسلام(ص) جایی برای شهوت گرایی و میل به خوش گذرانی وجود ندارد. برخی از این روایت پیامبر(ص) که فرمود: من از دنیای شما سه چیز را دوست دارم، بوی خوش، زنان و نماز که نور چشم من است، نتیجه گرفته اند که ازدواج های پیامبر(ص) در سنین آخر زندگی، جنبه شهوانی داشت، در حالی که این برداشت و تحلیل، با شواهد تاریخی همسو نیست، بلکه وضع اجتماعی - فرهنگی شبه جزیره عربی به گونه ای بود که زن را خوار و بی ارزش می پنداشتند، و علاقه ای به دختر نداشتند و هرگاه از تولد دختری خبردار می شدند، به سوی زنده به گوری دختران گام بر می داشتند. (سوره احزاب، آیه ۳۷) نسل دختری خویش را قبول نداشتند و ... آن حضرت در برابر این همه ظلم و ستم به زنان، به مبارزه برخاست، زنده به گوری دختران را گناهی بزرگ و نابخشودنی بر شمرد، به زنان ارزش و احترام داد و در پیشگاه خداوند معیار تقرب و برتری را تقوا قرار داد، نه جنسیت، و کوشید تا با طرق ممکن آن وضع ناشایسته را برطرف نماید. آن حضرت در همین مسیر تبعیض زدایی و شخصیت دادن به زنان می فرماید که من زنان را دوست دارم و این دوستی را در کنار دوستی و علاقه به نماز قرار می دهد. بنابراین نباید این دوستی را با شهوت گرایی و

زنباره بودن خلط نمود. افزون بر این، رسول گرامی اسلام (ص) خواسته است که با این روایت و روایات مشابه به مسلمانان بقبولاند که آیین اسلام با رهبانیت و ترک زنان همسو نیست، بلکه یک مسلمان، هم باید ازدواج کند و از بوی خوش استفاده کند و هم به عبادت خداوند بپردازد و نماز بخواند. در گزارش های تاریخ اسلام آمده است که چند نفر از اصحاب به منظور تزکیه نفس و و جلب رضای خداوند، آمیزش با زنان را بر خود حرام نمودند، ام سلمه همسر پیامبر(ص) از تصمیم آنان با خبر شد و جریان را به اطلاع پیامبر (ص) رسانید، حضرت به میان اصحابش رفت و فرمود: «اترغبون عن النساء انی اتی الناس و آکل بالنهار و انام باللیل فمن رغب عن سنتی فلیس منی»؛ آیا زنان خود را ترک گفته اید و از آنان اعراض کرده اید؟ من نزد زنان می روم، روز غذا می خورم و شب را می خوابم و هرکس از سنت من روی گرداند، از من نیست. (الابطال، ص ۱۰۸، به نقل از همسران پیامبر(ص)، ص ۸۱ کوتاه سخن این که روایات مربوط به محبت زنان را می توان با دو هدف ترک رهبانیت و طرد فرهنگ جاهلی تفسیر نمود. کوتاه سخن این که ازدواج های متعدد پیامبر(ص) یکی از عوامل رشد و گسترش اسلام در آن محیط به شمار می آمد و به ازدواج های پیامبر(ص) هدف سیاسی بخشید. با دقت در چند نکته، این سخن را بهتر می توان پذیرفت. در شرایط سخت و بحرانی، رسول خدا(ص) به ازدواج های متعدد روی آورد؛ به ویژه پس از جنگ احد که نتیجه آن برای مسلمانان بسیار ناگوار بود، پیامبر (ص) پس از این جنگ به چند ازدواج مبادرت کرد. پس از فتح مکه که نقطه پیروزی درخشان مسلمانان، بلکه نقطه عطفی در تاریخ صدر اسلام محسوب می شود، پیامبر اسلام(ص) دیگر ازدواج نکرد و آخرین ازدواج پیامبر(ص) در جریان عمره القضا در سال هفتم هجری بود. رسول خدا (ص) تنها با زبان و گفتار مسلمانان را به این امر خدا پسندانه تشویق نمود، بلکه در عمل نیز به تشویق مسلمانان اقدام نمود و خود در نگهداری از یتیمان و بیچارگان پیشگام شد و زنان بیوه و بی سرپرست و یتیم دار را با پیوند زناشویی به خانه خویش برد و در این کار برای دیگران الگوی پسندیده ای شد. این بهترین راه برای حل مشکل زنان محسوب می شد؛ چرا که زنان مؤمن بی سرپرست به حکم شرع مقدس اسلام، نمی توانستند به نکاح مردان کافر در آیند. و همچنین ماندن پیش خانواده خود که کافر بودند، به مصلحت نبود. آری با دقت و تأمل در فرهنگ آن عصر و ارزشهای اسلامی، پیامبر(ص) بهترین راه حل ممکن را برگزید؛ در حالی که دشمنان پیامبر (ص) به رهبری ابوسفیان، تلاش می کردند با طلاق دادن دختران رسول خدا (ص) مشکل اقتصادی پیامبر(ص) را بیشتر کنند، رسول خدا(ص) دختر بیوه ابوسفیان را به خانه خویش برد. گیورگیو دانشمند مسیحی می نویسد: محمد(ص) با جویریه ازدواج کرد؛ یارانش به این عمل با تعجب نگریستند و رفتار پیامبرشان را نپسندیدند، از فردای آن روز عده ای کم کم به اصل اقدام پی بردند و وقتی پیامبر(ص) یاران و جنگجویان را خواست و از آنان سؤال کرد که آیا روا می دانند که پدر زن رسول خدا (ص) برده باشد؟! سپس تمام افراد بنی مطلق آزاد شدند. (سوره احزاب، آیه ۳۷) برخی زنانی که مسلمان بودند، به دلیل مرگ، شهادت یا ارتداد شوهران بی سرپرست می شدند و زندگی برای آنان بسیار مشکل بود و در وضع بسیار آشفته ای به سر

می بردند، همانند ام حبیبه دختر ابوسفیان. رسول خدا(ص) وقتی از مشکل وی با خبر شد، با وساطت نجاشی پادشاه حبشه با وی ازدواج کرد و در حالی که مهریه دیگر زنان پیامبر چهارصد درهم مقرر شده بود، مهریه ام حبیبه را چهار صد دینار، یعنی ده برابر مهریه دیگر زنان قرار داد که این خود نشان می دهد که پیامبر (ص) می خواست با این ازدواج وی را نجات بدهد و از غلتیدن وی به دامن بستگان مشرک و کافر جلوگیری کند و از شدت نگرانی وی، از مصیبت های رسیده بکاهد. در اسلام پسرخوانده حکم پسر واقعی را ندارد و زن پسرخوانده بر مرد محرم نیست، در حالی که در جاهلیت احکام پسر واقعی را به پسر خوانده سرایت می دادند و زن وی بر مرد محرم بود، اسلام این حکم را باطل کرد. (تفسیر المنار، ج ۴، ص ۳۷۰، به نقل از همسران رسول خدا(ص)، ص ۷۷) رسول خدا (ص) به دستور خداوند سبحان با زینب بنت جحش، همسر مطلقه زید بن حارثه پسر خوانده خود، ازدواج کرد تا مسلمانان به روشنی تمام بدانند که این حکم جاهلی باطل اعلام شده است؛ (تاریخ تمدن اسلام و عرب، ص ۱۱۶ به بعد) چه بسا ممکن بود که اگر این ازدواج رخ نمی داد، زید بن حارثه بعد از رحلت پیامبر(ص) به عنوان پسر پیامبر (ص) مطرح می شد و مسیر وراثت، امامت و خاندان پیامبر تغییر می کرد. ممکن بود که به زید بگویند تو وارث رسول خدا هستی و تو باید خلیفه مسلمانان بشوی یا خلافت حق تو است و به هر کس می خواهی محول کن ویا... . از جمله فواید این ازدواج، افزون بر جلوگیری از خطر احتمالی مذکور این است که دو حکم و سنت جاهلی را باطل کرد؛ یکی حرمت ازدواج با همسر مطلقه پسرخوانده و دیگری سنت زشت شمردن ازدواج با همسر مطلقه یک غلام آزاد شده. کوتاه سخن این که ازدواج های پیامبر(ص) به دلایلی که ذکر شد، به هیچ عنوان جنبه خوش گذرانی و شیفتگی به جنس مخالف نداشت، بلکه آن حضرت از این ازدواج ها اهداف والایی را دنبال می کرد؛ برای نمونه: - ازدواج با خدیجه به دلیل آینده، ایمان و فداکاری خدیجه و بهترین ثمره، این پیوند وجود اطهر صدیقه کبری فاطمه زهرا(س) و بقای نسل آن حضرت از این طریق بود. - ازدواج با سوده دختر زمعه به دلیل رفع پریشانی و نجات وی از افتادن در دامن قبیله کافر، حفظ ایمان و رهایی از آزار خانواده مشرک. - ازدواج با عایشه به دلیل جلب توجه ابی بکر و تحکیم روابط با قبیله بزرگ تیم. - ازدواج با حفصه به دلیل وصلت با قبیله بزرگ عدی و رفع نگرانی عمر برای بی سرپرستی دخترش حفصه. - با زینب بنت خزیمه ، برای حفظ آبرو و مفتخر شدن وی به مقام ام المومنین؛ چرا که وی از زنان نیکوکار بود، به همین دلیل در جاهلیت وی را ام المساکین (مادر مسکینان). لقب داده بودند. - ازدواج با ام سلمه به منظور جبران زحمتهای وی و رفع نگرانی و سرپرستی از یتیمان او. - با زینب بنت جحش، به دلیل طرد و باطل کردن حکمی از احکام نادرست جاهلی، درباره زنان پسرخوانده. - با جویریة به دلیل تحکیم مبانی اسلام در قبیله بنی مصطلق، آزادی اسیران جنگی به صورت داوطلبانه و تعلیم این روش که می شود کنیز را آزاد کرد و سپس با وی ازدواج نمود. - با ام حبیبه دختر ابوسفیان، به جهت رفع پریشانی، سرپرستی و جلوگیری از غلتیدن وی در دامن خانواده مشرک و دشمن با مسلمانان و نیز هدف سیاسی کاستن از دشمنی آنان با مسلمانان. - هدف از ازدواج با صفیه به منظور

نجات زن، وصلت با بنی اسرائیل، تعلیم این روش که می توان کنیز را آزاد کرد و با وی ازدواج نمود و به گفته رشید رضا، حکمت عمومی ازدواج های آن حضرت، براساس مصالح و حکمت هایی بود که در انجام ماموریت الهی به آنها نیازمند بود و اگر هدف عیش و نوش و شهوت رانی بود، همانند ملوک و سلاطین امرای جهان، به جای این همه زنان سالخورده و بیوه، از دختران دلربا و زیباروی اختیار می کرد. (تاریخ تمدن اسلام و عرب ، ص ۱۲۴) پرفسور آنه ماری شیمل می گوید: «اغلب فراموش می کنیم که محمد بیشترین بخش عمر خود را با یک همسر و آن هم با خدیجه ای بسر برد که ۲۰ سال از او بزرگتر بود.» هم او می گوید: «ازدواج های چند گانه پیامبر، نه تنها دلیل بر ضعف او در برابر نفس که نشانه فطرت سروری اوست پیامبر قدیسی نیست که از دنیا کنار گرفته باشد محمد بدین طریق زندگی دنیوی را قداست بخشید.» موفق باشید